



ح « حریف »

آلمان - نومبر ۲۰۲۲

در آلمان تلاش برای برابری جنسیتی هنوز هم ادامه دارد!



به ارتباط رعایت حقوق سیاسی و مدنی، زنان در آلمان از ۱۲ نوامبر سال ۱۹۱۸ به این طرف می توانند در انتخابات ها از حق رای شان استفاده نموده و همچنان به در پست های انتخاباتی خود رابه حیث کاندید معرفی نمایند.

در حالیکه از این موضوع ۱۰۴ سال سپری میشود فعالان و مدافعان حقوق زن، راه سخت و دشوار را پیش روداشته که تا هنوز هم به هدف نهایی خود دست نیافته اند.

الیمپ دگوژ، نویسنده فرانسوی، فعال حقوق زنان و نماینده نویسنده از جمله اولین پیشگامان مبارزه برای برابری جنسیتی بشمار می رود. در سال ۱۷۹۱، زمانی که از طریق انقلاب فرانسه ظاهرن راه اندازی و انجام همه کارها ممکن به نظر می رسید، دگوژ "اعلامیه حقوق زنان و شهروندان" را نوشت. دو سال بعد او به خاطر خواسته ها و دیدگاه هایش اموکراتیک اش دستگیر شده و با "گیوتین" اعدام گردید.

انا کاترینا مانگولد یکی از مورخین حقوق می گوید: «پیشگامانی وجود داشتند که بسیار وقت به مساله برابری می پرداختند و خواستار این برابری بودند. الیمپ دگوژ یکی از آنهاست. اما به عنوان یک جنبش

سیاسی، جنبش زنان اساساً در اواسط قرن نوزدهم در کشورهای غربی توسعه پیدا کرد». مانگولد در ادامه می‌گوید که "مسایل اولی نه تنها حق رأی دادن بود، بلکه شامل مواردی کاملاً اساسی، اقدامات ممکن حقوقی بود. زیرا زنان از ابتدا به عنوان افراد قانونی مورد توجه قرار نداشتند. مثال بارز آن قیمومیت جنسیتی بود. این نظر وجود داشت که زنان به خودی خود توانایی معاملات تجاری را ندارند و باید از جانب یک مرد نمایندگی شوند. ابتدا توسط پدرش، سپس توسط شوهرش، یا، اگر زن ازدواج نکرده بود، توسط یکی از نزدیکانش نمایندگی می‌شد.

زنان در آلمان دیگر نمی‌خواستند این وضعیت را قبول کنند. قبل از جنگ جهانی اول، به جنبش زنان با موفقیت‌های اولیه، هنوز با خوشبینی دیده می‌شد. زمانیکه جنگ آغاز گردید، جنبش زنان به عقب کشیده شد. اما پس از پایان جنگ، این جنبش توسعه حاصل نموده و با سر و صدای بی‌سابقه به پیش ادامه داد. مانگولد می‌گوید که "یک تز مشهور وجود دارد که زنان در جریان جنگ و اداره زمان جنگ، بسیار فعالانه در کنار مردان قرارداد داشته و مردان و زنان در بخش صنایع و هم صنایع سنگین هر چه بیشتر وارد صحنه کاری شده بودند. بنابراین دیگر دلیلی مشروع وجود نداشت که از حق رأی محروم باشند". مدت کوتاهی قبل از پایان جنگ، مبارزین حق رأی، به هدف بزرگشان بسیار نزدیک شده بودند.

ویلهلم دوم، امپراتور آلمان در پیام عید مسیحیان در سال ۱۹۱۷، اصلاحات دموکراتیک از جمله حق رأی را اعلام کرد اما او در مورد حق رأی زنان حرفی نزد. این امر منجر به خشم فعالان زن گردید و آنها با فعالیت‌های شان خود را در خط مقدم قرار دادند. دو جناح جنبش زنان، بورژوازی و سوسیال دموکرات، از طریق اقدامات مشترک، تقاضا و جلسات متداوم شان، نظام اجتماعی را که مردان در آن تصمیم‌گیرنده بودند، تحت فشار قرار دادند. تا اینکه به تاریخ ۱۲ نوامبر سال ۱۹۱۸، پایه قانونی برای حق رأی زنان گذاشته شد. شورای نمایندگان اعلام کرد که "همه انتخابات عمومی تحت نظارت یکسان، سری و براساس سیستم انتخاباتی متناسب برای همه، یعنی مرد و زنی که حداقل ۲۰ سال عمر دارند، انجام می‌شود". این اقدام نقطه عطفی در جنبش زنان بود.

در انتخابات پارلمانی جمهوری در سال ۱۹۱۹ زنان برای اولین برابر اجازه رأی دادن را به دست آوردند. انا کاترینا مانگولد می‌گوید که با این حال، حق رأی برای زنان در آلمان یک اقدام پیشگام نبود، زیرا حق رأی برای زنان در برخی از کشورهای اسکاندیناوی چندین سال قبل از این تاریخ به دست آمده بود. با آنهم، کشورهای هم بودند که چندین سال بعد از آلمان برای زنان حق رأی را اعلام کردند. سوئیس، که همیشه به عنوان کشور الگویی دموکراسی مردمی در اروپا دیده می‌شود، در سال ۱۹۷۱ حق رأی زنان در سطح فدرال را اعلام کرد.

قانون سال ۱۹۱۸ آلمان نقطه عطفی در مبارزه زنان برای برابری بود، اما متن بند ۲ ماده ۱۰۹ قانون اساسی هنوز صراحت نداشت، بنابراین: مردان و زنان اساساً حقوق و وظایف مدنی همسان دارند. مانگولد می گوید که "در نگاه اول چنین برداشت می شود که وقتی زن و مرد اساساً حقوق و وظایف مدنی همسان داشته باشند، پس همین جاست که از برابری حرف زده شده است؛ اما منظور این نیست. دراصل از لحاظ مفکوره حقوقی استثنائاتی وجود دارد و این استثنائات بسیار گسترده طراحی شده اند.»

در سال ۱۹۴۹ این اصل قانون در قانون اساسی دوباره تصریح شد. ماده ۳ بند ۲ قانون اساسی آلمان صراحت داده است که مردان و زنان برابر هستند. درنیمه اول سال ۱۹۹۰، این جمله با یک جمله دومی تصریح شد: دولت اجرای موثر حقوق برابر زنان و مردان را ترویج می دهد و برای از بین بردن معایب موجود تلاش می کند. مانگولد می گوید که "این جمله دوم به وضوح نشان می دهد که موجودیت قانون برای داشتن حقوق برابر کافی نیست بلکه چنانکه قانون اساسی پیش بینی می کند، باید قانون درعمل نیز اجرا گردد و این در واقع مرحله ای است که در حال حاضر ما در آن قرار داریم.»

با وجود اینکه برابری در قانون اساسی برای همه مردم، به ویژه در یک زمانی که هنوز مواردی یا ممنوعیت اطلاعات در مورد سقط جنین مطرح است، مشخص می شود که زنان در جامعه همچنان با مردان حقوق مساوی ندارند. مانگولد می گوید که علاوه بر این، "کافی است که یکبار جریان محاکم در قبال تجاوزات جنسی را مشاهده کنیم. علم حقوق، یک علم محافظه کار است که هنوز هم عمدتاً از جانب مردان که ترس از دادن چیزی را دارند، اداره می شود و به اجرا می آید. این بدین معنی است که حقوق بنیادین و اساسی انسان ها را دولت باید به طور موثر محافظت کند.»

حتی ۱۰۴ سال پس از اینکه زنان فعالانه در زندگی سیاسی شرکت می کنند، مبارزه آنها برای به دست آوردن برابری اجتماعی و جنسیتی هنوز پایان نیافته است.

آنچه حقوق زنان را تثبیت مینماید، تدوین قوانین است، و اما در بسا جوامع هنوز حقوق برابر مردان برای زنان بطور کامل برآورده نشده است. در آلمان نیز چنین نابرابری هامشهود است. چنانچه این نابرابری ها رامیتوان درانجام فرصت های کاری و سهمگیری درمسایل سیاسی مشاهده نمود. آزارجنسی ، خشونت خانواده گی وقاچاق جهانی زنان ازجمله مواردی مهمی اند که علیه آن مبارزه میشود. در آلمان نسبت سایر کشورهای اروپایی زنان درفعالیت های اجتماعی ومبارزات آزادیخواهی فعال هستند، طوریکه زنان همواره برای تحقق اهداف مطروحه خود تلاش مینمایند.

گزارش تازه ای که موسسه گلاسدوردر باره نابرابری جنسیتی در محیط کاری ۱۸ کشور ارائه نموده است نشان میدهد که آلمان در رده ۱۵ قرار دارد. چنانچه به تناسب تعداد زنان شاغل در ادارات وموسسات آلمان ، رقم

زنان در پست های رهبریکننده و مدیریتی کمتر از حد وسطی است. به همین منوال ساعات کاری زنان نسبت به مردان بیشتر بوده و اما در کار مشابه دست مزد کمتری بدست می آورند، زنان علاوه بر کاریرونی، مشغولیت های کاری به ارتباط انجام امور خانه و پرورش فرزندان شان دارند که کار در داخل منزل اصلن مورد محاسبه قرار نمیگیرد. ارزش کار بدون پرداخت دست مزد زنان در آلمان برابر به یک سوم تولید ناخالص ملی بوده که حساب آن به میلیارد ها یورو میرسد.

در نهایت به ارتباط آموزش عالی نیز زنان نسبت مردان در وضعیت بدی قرار دارند
شورای زنان آلمان عدالت جنسیتی را در جامعه ترویج داده تا آرامش به خانواده ها برگشته و زنان فرصتی برای رشد حرفوی در کارشان داشته باشند. از جمله راه های غلبه بر این چالش افزایش مردها و یکااهش ساعات کاری برای زنان دارای فرزند است، این بخش زنان میتوانند با حفظ درآمد مناسب شغلی ساعات بیشتری برای حمایت و رسیدگی برای خانواده شان داشته باشند.

ح « حریف »

آلمان – نومبر ۲۰۲۲

Hoqooq.eu